



انتشارات آموخته

www.amookhteh.ir | info@amookhteh.ir

تلفن: ۳۶۵۴۰۸۵۲ (۰۳۱)

ما را در اینستاگرام دنبال کنید:

@Amookhteh

www.ketab.ir

تمرین

راه ورسم ارائه کار خلاقانه

ست گادین

ترجمه علیرضا خاکساران

آماده سازی: انتشارات آموخته

مدیر تولید: فرهاد فروزنده

ویراستار: سعید یارا احمدی

نمونه خوانی: زهرا خانیانی

مدیر هنری: حمید میزبانی

• لیتوگرافی: طلوع • چاپ: الوان • صحافی: سپاهان

• چاپ سوم: ۱۴۰۱ • شمارگان: ۱۰۰۰ • قیمت: ۸۲۰۰۰ تومان

© حق چاپ: ۱۴۰۱، آموخته

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۰-۹۲-۲

ISBN: 978-622-6650-92-2

www.ketab.ir

گادین، ست، ۱۹۶۰-م.  
Godin, Seth ۱۹۶۰-

تمرین: راه و رسم ارائه کار خلاقانه  
ست گادین: ترجمه علیرضا خاکساران.

آموخته، ۱۴۰۰.

۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۰-۹۲-۲

فیپا

عنوان اصلی:

The practice:

shipping creative work

c 2020.

راه و رسم ارائه کار خلاقانه

خلاقیت

خاکساران، علیرضا، مترجم

BF۴۰۸

۱۵۳/۳۵

۸۴۹۳۲۹۵

فیپا

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتاب‌شناسی ملی

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی

## فهرست مطالب

|     |                                                                     |                                                                                     |
|-----|---------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۱  | پیشگفتار مترجم                                                      |    |
| ۱۵  | به خویشتن خودتان اعتماد کنید                                        |    |
| ۵۱  | سخاوت                                                               |    |
| ۹۷  | حرفه‌ای                                                             |    |
| ۱۱۳ | نیت                                                                 |    |
| ۱۴۳ | چیزی به نام مانع نویسنده‌گی نداریم                                  |    |
| ۱۸۹ | ادعا کنید                                                           |    |
| ۱۹۵ | کسب مهارت                                                           |    |
| ۲۰۹ | به دنبال محدودیت‌ها باشید                                           |    |
| ۲۲۱ | ایده‌ها از کجا می‌آیند؟                                             |    |
| ۲۲۳ | اگر فردا هم قرار باشد همین امروز را تکرار کنید، این کار را می‌کنید؟ |    |
| ۲۲۵ | خاموش ناپذیر                                                        |  |



# پیشگفتار مترجم

تا در طلب گوهر کانی کانج -  
تا در هوس لقمه نانی نانی  
این نکته رمز اگر بدانی دانی  
هرچیز که در جستن آنی آنی  
- مولانا

www.ketab.ir

در سده گذشته، اقتصاد صنعتی در دنیای ما یکه تاز بوده است. اقتصادی که مصرف‌گرایی و فرمان‌برداری دو ستون اصلی آن را تشکیل می‌دهند که هر دو از کمبود سرچشمه می‌گیرند؛ اینکه نکند اگر فلان چیز را نخریم، از کفمان برود یا اگر از بالادستی‌ها فرمان نبریم، فرد بله‌قربان گوی دیگری جایمان را بگیرد. در این اقتصاد، معامله ساده‌ای وجود دارد، که هرطور فکرش را بکنید، به درد افراد خلاقى مانند ما نمی‌خورد: کارهایی را که به شما گفته می‌شود موبه‌موانجام دهید تا

نتیجه‌ای را بگیرید که نظام صنعتی وعده‌اش را به شما داده است. هرکسی از عهدۀ چنین معامله‌ ساده‌ای برمی‌آید و به همین دلیل در چنین اقتصادی، افراد حکم چرخ‌دنده‌ای تعویض‌شدنی را دارند. به بیان دیگر، اقتصاد صنعتی بر دستورعمل‌های امتحان‌پس داده استوار است و نظام نتیجه‌محوری است که اهمیتی به خلاقیت، نظر و صدای منحصربه‌فرد شما نمی‌دهد. خبر خوب این است که این اقتصاد هم‌اکنون در بستر مرگ به سر می‌برد و برای اینکه فاتحۀ ما را با خود نخواند، باید حساب‌مان را از آن جدا کنیم. پرسش این است که چگونه؟

راه نجات‌مان خلاقیت به خرج دادن است، ولی نه به آن معنایی که خالقان افسانۀ خلاقیت در ذهن‌مان فرو کرده‌اند. متأسفانه خلاقیت را طوری برای‌مان معنا کرده‌اند که با شنیدنش ترس سراسر وجودمان را می‌گیرد و چنین داستانی را برای خودمان می‌گوییم: من استعدادش را ندارم و این چیزها برای ازمایه‌تران است. ولی اجازه دهید ببینیم نظر ست‌گادین چیست. او باور دارد خلاقیت نتیجۀ میل ما به کشف حقیقتی جدید، حل مسئله‌ای قدیمی یا خدمت به شخص دیگری است. خلاقیت یک انتخاب است. این طور نیست که دست روی دست بگذارید و به یک‌باره جرقه‌آیدهای در سرتان زده شود. روپادی هم نیست که یک بار رخ دهد و تمام شود، بلکه فرایندی مستمر است. فرد خلاق کسی است که چیزی می‌سازد که هیچ دستورعمل یا کتابچۀ راهنمایی برای ساختش وجود ندارد. دستورعمل مختص اقتصاد صنعتی است که فقط به دنبال نتیجه و بهره‌وری است. خود ست‌گادین نیز در هیچ‌یک از آثارش به راهکار یا دستورعمل مشخصی اشاره نمی‌کند و فقط نقشۀ راهی را جلوی‌مان می‌گذارد تا انتخاب کنیم می‌خواهیم مهره‌ای حیاتی باشیم یا غلام حلقه‌به‌گوشی در نظام صنعتی. از نظر او کار ارزشمند و خلاقانه دستورعمل ندارد، و برخلاف نظر خالقان افسانۀ خلاقیت، معتقد است پای هیچ منبع الهام یا ذوق‌وقریحه و استعداد ویژه‌ای هم در میان نیست.

خب، اگر دستورعمل و منبع الهامی در کار نیست، چطور می‌توانیم راه‌ورسم خلاقیت را در پیش بگیریم؟ درست است که دستورعمل واحدی در کار نیست و سفر هرکسی در وادی خلاقیت منحصربه‌فرد است، ولی کارهای خلاقانه تابع الگویی‌اند که وقتی چشمان‌مان را باز کنیم و آن الگو را ببینیم، ما هم می‌توانیم از آن پیروی کنیم. نویسنده این الگو را «تمرین» می‌نامد و معتقد است تمرین تنها چیزی است که کنترلش در اختیار ماست. او موفقیت یک‌شبه را با قاطعیت افسانه می‌داند و بر

آن خط بطلان می‌کشد. در کتاب «شیب» نیز به این اشاره می‌کند که افراد زیادی به انسان‌های موفق و خلاق غبطه می‌خورند، ولی حاضر نیستند از شیبی بگذرند که آن‌ها به سختی رد کرده‌اند. در واقع، تمرین لازمه گذر از شیب است. در ادامه کمی بیشتر به مفهوم تمرین از نظر نویسنده می‌پردازم.

تمرین فرایند و رویکردی مستمر برای تبدیل شدن به فردی خلاق است، بی‌آنکه نگران نتیجه کارمان باشیم، چراکه نتیجه کار در کنترل ما نیست و زمانی را که صرف نگران بودن برای نتیجه می‌کنیم، در واقع صرف تلاش برای کنترل چیزی می‌کنیم که خارج از کنترل ماست. برای نمونه، اگر قصد یادگیری مهارتی مانند دوچرخه‌سواری را داشته باشید، اینکه چه موانعی سر راهتان سبز شوند، لاستیک‌تان پنچر شود، ماشینی برای تان مشکل بیافریند یا اتفاقات دیگر در اختیار شما نیست. اینکه هر روز سوار دوچرخه‌تان شوید و ممارست به خرج دهید تا به مهارت کافی برسید، در اختیار شماست. دوچرخه‌سواری را نمی‌شود با خواندن دستورعمل یاد گرفت، باید سوار دوچرخه شوید، زمین بخورید، بلند شوید، دوباره زمین بخورید و آن قدر ادامه دهید که به مهارت لازم برسید. اگر می‌خواهید شنا یاد بگیرید، باید تان را به آب بزنید، در خشکی و از روی دستورعمل نمی‌توان شنا یاد گرفت. اگر دل‌تان می‌خواهد رهبر باشید، رهبری کنید. اگر می‌خواهید دهنده شوید، بدوید. اگر دل‌تان می‌خواهد نویسنده باشید، پس بنویسید. تمرین کمک می‌کند هویت‌تان را با انجام کارتان تثبیت کنید. بخش دشوارش این است: به فردی تبدیل شوید که هر روز برای یادگیری شنا، رهبری کردن، دویدن و نوشتن وقت بگذارد. یگانه هدف تمرین این است که نشان‌تان دهد می‌توانید و باید به خودتان اعتماد کنید و دل به کار دهید، چه حال و حوصله انجامش را داشته باشید و چه نداشته باشید.

مجموعه صنعت و آموزش و پرورش حول محور این تفکر شکل گرفته که هیچ‌کس بدون داشتن مدرک توانایی خلق کار مفید را ندارد. ولی چیزهایی که در بالا گفته شدند، به مدرک و اجازه هیچ‌کس نیاز ندارند، فقط به تعهدمان به تمرین وابسته‌اند. ست گادین در این کتاب می‌کوشد کمک‌مان کند داستانی را تغییر دهیم که برای خودمان تعریف می‌کنیم. اگر می‌خواهیم داستان مان را تغییر دهیم، ابتدا باید اقدامات مان را تغییر دهیم. تمرین رویکردی مستمر و گام به گام است که فقط به خاطر لذت خودش دنبالش می‌کنیم و نه برای

اینکه لذت رسیدن به نتیجه را تضمین می‌کند. تعهدمان به آن یگانه‌گزینه جایگزین ذهنیت مبتنی بر بخت‌آزمایی است. یعنی این ذهنیت که امیدواریم خوش‌شانس باشیم تا انتخاب شویم. تمرین یک بازی نامحدود است. یعنی در مسیر تمرین، با کسی مسابقه نمی‌دهیم و قرار نیست از کسی یا چیزی جلو بزنیم. تمرین مان به دیگران نشان می‌دهد در جست‌وجوی چه چیزی هستیم: البته ممکن هم هست جست‌وجویمان نتیجه‌ای در پی نداشته باشد. هدف تمرین را می‌توان در این بیت از استاد سخن، سعدی، خلاصه کرد:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل  
وگر مراد نیابم، به قدر وُسع بکوشم  
امیدوارم با خواندن این کتاب بتوانید تمرین‌تان را پیدا کنید و در مسیر آن گام بردارید.

علیرضا خاکساران

زمستان ۱۴۰۰